

مقاله

قسمت دوم

اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا

فریده میرمحمدی
کارشناس ارشد
جامعه‌شناسی



عکاس: رضا معتمدی

۵۴

رشد آموزش عالی
دوره‌ی ۱۵
شماره ۲
زمستان ۱۳۹۰

نوشتار حاضر بخشی از پژوهشی است که توسط نگارنده به انجام رسیده است. در شمارهٔ پیش، به نقش امامان به عنوان الگو و مرجع شیعیان اشاراتی شد و به دنبال آن، مبانی تحقیق؛ بیان مسئله، ادبیات تحقیق مورد اشاره قرار گرفت. در این شماره وارد حیطهٔ وظایف نسبت به فرزندان، والدین، اقوام و خویشاوندان کارگران، فقرا، یتیمان، مؤمنان و مردم شده و نهاد و کالت در این عرصه مطرح شده است در نهایت نویسنده با استنادات محکمی که در این زمینه ارائه داده ۴ پیشنهاد را مطرح کرده است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اجتماعی، مهرورزی، ترک مجادله، قانون کار، نهاد و کالت

۵. وظایف فرزندان نسبت به والدین

وظایف فرزندان نسبت به پدر و مادر در سه اصل احترام کردن، محبت کردن و سپاس‌گزاری از والدین متمرکز شده است. نیکی، محبت و احسان به پدر و مادر جایگاهی بس مهم در تعالیم اسلامی دارد. در قرآن کریم در سه مورد پس از دستور به یکتاپرستی، مسئلهٔ احسان به پدر و مادر مطرح شده است: «و بالوالدین احسانا.»

سپاس‌گزاری و تشکر از زحمات والدین، از وظایف دیگر فرزندان است. خداوند در قرآن کریم سپاس از پدر و مادر را پس از سپاس‌گزاری از خدا مطرح می‌کند: «أن اشکرلی و لوالدیک»: نسبت به من و پدر و مادرت شاکر باش [لقمان/ ۱۴]. امام رضا(ع) می‌فرماید: «از پدرم موسی بن جعفر(ع) شنیدم که می‌فرمود: شخصی از امام صادق(ع) دربارهٔ گناهان کبیره پرسید. آن حضرت در پاسخ فرمود: نخستین گناه کبیره شرک است. دوم، ناامیدی از رحمت خداوند و از آن جمله است عقوق والدین» [هاشمی، ۱۳۸۷].

در عیون الاخبار الرضا آمده است: «خداوند به سه چیز فرمان داد و آن را قرین سه چیز دیگر قرار داد: به نماز فرمان داد و زکات را قرین آن قرار داد. پس هر کس نماز بخواند و لکن زکات ندهد، نماز او پذیرفته نیست. و به شکرگزاری خود فرمان داد و شکر والدین را قرین آن ساخت؛ پس هر آن که شکر والدین را به جا نیاورد، خدای را شکر نکرده است. و به تقوای الهی دستور داد و صلۀ ارحام را قرین آن کرد؛ پس هر آن کس که صلۀ رحم نکند، تقوای الهی را پیشه نکرده است.»

امام رضا(ع) فرمود: «بر تو باد به طاعت کردن از پدر و نیکی و فروتنی و خضوع و بزرگ شمردن و احترام به او. همیشه صدای خود را در حضور وی آهسته کن، زیرا که پدر ریشهٔ فرزند است و فرزند شاخه‌ای از اوست. اگر او نبود، خدا تو را مقدر نمی‌کرد» [کلینی، ۱۳۵۶: ۷۶]. و نیز می‌فرماید: «به امام رضا(ع) عرض کردم، پدر و مادرم مذهب حق را نمی‌شناسند. آیا برای آنان طلب مغفرت کنم؟ حضرت فرمودند: برایشان دعا کن، صدقه بده و اگر زنده‌اند، با آنان مدارا کن تا هدایت شوند. زیرا پیامبر(ص) می‌فرمود: من به رحمت و مهربانی مبعوث شده‌ام، نه به عقوق و نافرمانی» [کلینی، ۱۳۴۴: ۱۵۹].

اخلاق اجتماعی امام رضا(ع) با اقوام و خویشاوندان

در خصوص مناسبات اخلاقی و روابط با اقوام و خویشان، امام رضا(ع) یک اصل کلی را مطرح می‌کند: «جمل معاشرتک مع الصغیر و الکبیر»، برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ زیبا و نیکو

گردان. این اصل در حسن معاشرت و تداوم ارتباط و افزایش اعتماد و اطمینان خویشان به یکدیگر اهمیت بسیار دارد. اصل دیگری که امام به آن توجه تام داشت، جود و احسان نسبت به خویشاوندان، فقرا و تهیدستان بود.

بزنطی از نامه‌ای که امام رضا(ع) به فرزندش امام جواد(ع) نوشته است، روایت می‌کند: «ای ابا جعفر، به من رسیده که هنگامی که سوار می‌شوی، غلامان تو را از باب صغیر بیرون می‌برند و این بخل آنهاست تا خیری از تو به کسی نرسد. به حقی که بر تو دارم، از تو می‌خواهم که ورود و خروج تو، جز از باب کبیر نباشد و زمانی که سوار می‌شوی، با خود دینار و درهمی بردار. باید هر کس از تو چیزی طلب می‌کند، به او بدهی و اگر کسی از عموهایت درخواست احسان کند، به او کمتر از ۵۰ دینار مده و بیش از این را خود دانی و اگر کسی از عمه‌هایت طلب عطا کند، کمتر از ۲۵ دینار مده و بیش از آن مختاری. من خواستار آنم که خداوند مرتبهٔ تو را بلند گرداند، پس بخشش کن و به یاری خدا از تنگدستی بیمناک مباش» [محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۲].

اخلاق اجتماعی امام با اقوام و خویشان‌شان را می‌توان در مفهوم «صلۀ رحم» دید که سفارش بسیاری به آن شده است. صلۀ در لغت به معنی پیوستن است و صلۀ رحم یعنی اتحاد و پیوستگی خویشاوندان، نیکی و احسان به خویشان و نزدیکان [عمید، ۱۳۶۳].

ابن اثیر می‌گوید: «صلۀ رحم کنایه از نیکی کردن به خویشاوندان سببی و نسبی، و عطف و مهربانی و رعایت احوال آنان است.» امام رضا(ع) از امام صادق(ع) روایت می‌فرماید که: «صلۀ رحم نما اگر چه شربت آبی باشد و بهترین صلۀ رحم، خودداری از آزاررسانی به آنان است» [کلینی، ۱۳۴۴: ۱۵۱]. خداوند در قرآن بر ضرورت صلۀ رحم تأکید می‌کند و می‌فرماید: «و از خدایی که به نام او بازخواست شوید، از بریدن ارحام پروا کنید» [انساء/ ۱].

صلۀ رحم خود آثار مطلوب زیادی دارد: اول، خویشاوندان از حال هم با خبر می‌شوند و در صورت نیاز به یکدیگر کمک می‌کنند، دوم، موجب می‌شود فرد از تنهایی درآید و مشکلات روحی و افسردگی‌اش کاهش می‌یابد. امام رضا(ع) فرمود: «مردی که سه سال از عمرش باقی ماند و صلۀ رحم کند، خدا عمرش را ۳۰ سال قرار می‌دهد و خدا هر چه خواهد می‌کند» [کلینی، ج ۳، ۱۳۴۴: ۳۳۹]. در «صحیفه الرضا»(ع) آمده است: «هر کس چیزی را برای من ضمانت کند، من چهار چیز را بای او ضمانت می‌کنم؛ با خویشاوند خود رابطه داشته باشد، تا خدا او را دوست بدارد، و به او روزی فراخ دهد، و عمر

او را طولانی کند و او را به بهشتی که وعده داده است وارد کند» [حجاری، ۱۳۶۴: ۷۳].

از مسائل بسیار مهم و قابل توجه، موضع گیریهای امام رضا(ع) نسبت به انحرافات بستگان نزدیک و دورشان بود. چنان که اگر در یکی از بستگانش خلاف و انحرافی می دید، تذکر می داد و علاقه به خویشاوندان سبب نمی شد که وظیفه الهی خویش را تعطیل کند و از امر به معروف و نهی از منکر بپرهیزد

از آداب صلّه رحم می توان داشتن تواضع، احترام به ارزشهای انسانی، بذله گویی، کارگشایی، همدردی را نام برد. معمر بن خلاد می گوید: «به امام رضا(ع) گفتم: جانم به قربانت، گاه انسان در مجلسی می نشیند، سپس سخنی به میان می آید که افراد مجلس با هم مزاح می کنند و می خندند. آیا حضور در این سه جایز و رواست؟ حضرت فرمود: مانعی ندارد، به شرطی که بین آنها سخن زشت و رکیکی در میان نباشد. سپس حضرت فرمود: یک نفر اعرابی نزد رسول خدا(ص) می آمد و برای آن حضرت هدیه می آورد. او هنوز از جایش برنخاسته بود که می گفت: ای رسول خدا! پول هدیه را لطفاً بپردازید. رسول خدا از سخن او می خندید. هرگاه رسول خدا در خود احساس غم و اندوه می کرد، می فرمود: آن مرد عرب چه شد؟ ای کاش می آمد و ما را مسرور می کرد» [کلینی، ۱۳۴۴: ۶۶۳].

یکی از موارد مهمی که در صلّه رحم باید به آن توجه کرد، احترام به مهمان است. امام رضا(ع) مسلمانان را به گرامی داشتن مهمان، تکلیف می کند و می فرماید: «امت من همواره در خیر و نیکی باشند، تا هنگامی که یکدیگر را دوست داشته باشند و امانت را به صاحب آن بازگردانند و از حرام پرهیز کنند، و مهمان را گرامی بشمارند و نماز را به پای دارند و زکات را بپردازند و هرگاه این کارها را انجام ندهند، دچار قحطی می شوند» [حجاری، ۱۳۶۴: ۲۹]. در «تاسخ التواریخ» آمده است: «مهمانی بر حضرت امام رضا(ع) وارد شد. امام شب هنگام با مهمان خود نشست و گفت و گو می کردند. در این وقت اشکالی در چراغ روشنایی به وجود آمد و فتیله آن خراب شد. مرد مهمان دست دراز کرد تا آن را اصلاح کند. امام با صدای نسبتاً بلند او را خطاب کرد و مانع از این کار شد و فرمود: ما اهل بیت، میهمان را به انجام کاری نمی گماریم» [کلینی، ۱۳۴۴: ۱۰۲].

امام رضا(ع) از حضرت رسول(ص) روایت کرده است: «از حقوق میهمان این است که با او همراهی کنی و او را تا درب منزل مشایعت نمایی.» امام رضا(ع) تواضع را از آداب معاشرت بیان می کند و می فرماید: «تواضع این است که به مردم دهی آن چه را می خواهی

به تو دهند (با آنها چنان رفتار کنی که می خواهی با تو رفتار کنند) [کلینی، ۱۳۴۴: ۱۸۹]. از دیگر آداب معاشرت دوری از تکلف و به رنج و زحمت انداختن میزبان است. میهمانیهای تشریفاتی و پرهزینه عاملی برای کاهش صلّه رحم هستند.

امام رضا(ع) به نقل از امام علی(ع) می فرماید: «شخصی آن حضرت را به مهمانی دعوت کرد. امام فرمود به سه شرط دعوت او را می پذیرد: چیزی از بیرون منزل تهیه نکند، هر چه در خانه دارد از او دریغ ندارد، و خانواده خود را به رنج و مشقت نیفکند. مرد پذیرفت و امام نیز دعوت او را اجابت کرد» [هاشمی، ۱۳۸۷].

از مسائل بسیار مهم و قابل توجه، موضع گیریهای امام رضا(ع) نسبت به انحرافات بستگان نزدیک و دورشان بود. چنان که اگر در یکی از بستگانش خلاف و انحرافی می دید، تذکر می داد و علاقه به خویشاوندان سبب نمی شد که وظیفه الهی خویش را تعطیل کند و از امر به معروف و نهی از منکر بپرهیزد.

«زید بن موسی جعفر(ع)، برادر امام رضا(ع)، وقتی که در مدینه خروج کرد، مأمون کسانی را برای دستگیری اش فرستاد. او را گرفتند و پیش مأمون آوردند. مأمون گفت او را پیش امام رضا(ع) ببرید. چون او را نزد امام آوردند، حضرت به او فرمود: ای زید! آیا سخن سفلیگان کوفه مغرور کرده است که گفته اند: فاطمه چون عفاف ورزید، خداوند ذریه او را بر آتش حرام کرد؟ این سخن فقط درباره حسین(ع) و حسن(ع) است. به خدا سوگند هیچ کس به پاداش خدا نمی رسد، مگر با اطاعت او. زید گفت: من برادر تو و پسر پدرت هستم. حضرت فرمود: تو تا وقتی برادر منی که خدای متعال را اطاعت کنی. نوح به خدا عرض کرد: پسر من از خانواده من است و وعده تو راست می باشد. خداوند فرمود: ای نوح، او از خاندان تو نیست. خداوند او را به خاطر گناهانش از خاندان نوح اخراج کرد» [اسکندری، ۱۳۸۷].

اخلاق اجتماعی امام رضا(ع) با غلامان، خادمان و کارگران
امام رضا(ع) در برخورد با غلامان، خادمان و کارگران هرگز حاضر نبود کرامت انسانی آنان را نادیده بگیرد و چیزی از حقوق آنان را فروگذارد. این که اسلام از نظر حقوق اجتماعی، قانون برابری و مساوات را میان افراد امت برقرار ساخته، برای این است که کرامت انسانی را به آنها بازگرداند و ایشان را از قید و بند زندگی طبقاتی رها و آزاد سازد.

امام رضا(ع) مسلمانان را به گرامی داشتن مهمان، تکلیف می کند و می فرماید: «امت من همواره در خیر و نیکی باشند، تا هنگامی که یکدیگر را دوست داشته باشند و امانت را به صاحب آن بازگردانند و از حرام پرهیز کنند، و مهمان را گرامی بشمارند و نماز را به پای دارند و زکات را بپردازند و هرگاه این کارها را انجام ندهند، دچار قحطی می شوند

«یاسر، خادم امام رضا(ع) می‌گوید: هر وقت مجلس اصحاب و علما خالی می‌شد، امام رضا(ع) همه غلامان را صدا می‌کرد و مانند برادر برای آنها صحبت می‌فرمود و چون سفره می‌گسترده، از دربان و غلامان سیاه بزرگ و کوچک همه را سر سفره می‌خواند و با آنها غذا می‌خورد» [حسین اصفهانی، ۱۳۴۸: ۴۰۲].

از یاسر خادم نقل شده است که گفته است: «ابوالحسن الرضاع) به ما فرمود: اگر هنگامی که مشغول غذا هستید، مرا بالای سر خود ایستاده دیدید، از جای برنخیزید؛ مگر این‌که از خوردن فارغ شده باشید. بسا که آن حضرت تنی چند از ما را طلب می‌فرمود گفته می‌شد که مشغول غذا خوردن هستند و امام می‌فرمود: بگذارید غذایشان تمام شود» [محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۰۰]. این‌گونه رفتار برای آن است که به امت درس انسانیت و فضیلت آموزد و شرف و کرامت انسانی را استوار کند و نظریه اسلام را در رفتاری که باید هر انسان با برادران دینی‌اش داشته باشد، عملاً نشان دهد.

سلیمان بن جعفر جعفری گفته است: «با امام رضا(ع) روانه خانه آن حضرت شدیم. هنگام غروب آفتاب بود و غلامان در طویله به کار گل و بستن میخ‌آخور برای ستوران و غیر از آن مشغول بودند. با

آنان مرد سیاهی کار می‌کرد که از جمله غلامان آن حضرت نبود. امام فرمود: این مرد که با شماست کیست؟ گفتند: به ما کمک می‌کند و مزدش را می‌دهیم. امام فرمود: بارها شما را نهی کرده‌ام از این‌که کسی را پیش از آن‌که اجرتش را معین کنید، به کار بگیرید. سپس رو به من کرد و فرمود: بدان به هر کارگری که قبلاً مزد او را تعیین نکرده باشی، اگر سه‌برابر آن‌چه مزدش است بپردازی، باز گمان می‌کند که از اجرت او کاسته‌ای، و اگر پیش از انجام دادن کار، مزدش را معین و پس از آن پرداخت کنی، تو را به سبب وفای به‌عهد می‌ستاید و اگر اندکی زیادت‌تر از مزدش به او بدهی، آن را بخشی از تو می‌داند» [محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۵].

در این حدیث امام رضا(ع) به نکته مهمی اشاره می‌فرماید که مربوط به قانون کار است، تا به وسیله آن حق کارگر و کارفرما هر دو تأمین شود. علاوه بر آن، نکته روان‌شناسانه ظریفی را متذکر می‌شود که نشان از شناخت عمیق ایشان از روحیات انسانها دارد. امام رضا(ع) در مورد رعایت حقوق کارگر می‌فرماید: «خدای متعال همه گناهان را می‌آمرزد، مگر کسی که مهریه زن را به تأخیر افکند، یا مزد کارگری را پایمال کند و یا انسان آزادی را بفروشد» [حجازی، ۱۳۶۴: ۸۶۵].



اخلاق اجتماعی امام رضا(ع) با فقرا، مستمندان و یتیمان

محبت و مهرورزی امام به مردم، به‌ویژه کسانی که نیازمند مساعدت هستند، همراه با حفظ ارزشهای انسانی و شخصیت و کرامت انسانی، از فضایل اخلاقی بارز ایشان است که این امر را به تمام مسلمانان سفارش می‌کند. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «فقر دشوارتر از مرگ است.» امام علی(ع) فقر را مرگ بزرگ می‌داند. امام رضا(ع) نیز فقر را عامل سلب شخصیت می‌داند. از این‌رو، ایشان پنهانی به فقرا و مستمندان کمک می‌کرد و می‌فرمود: «پنهان کردن کار نیک (کردارش) برابر هفتاد حسنه است» [کلینی، ۱۳۴۴: ۱۶۰]. کلینی از یسوع بن حمزه نقل می‌کند: «من در حضور امام رضا(ع) بودم و مردم می‌آمدند و مسائل حرام و حلال خدا را می‌پرسیدند. مردی بلند قامت و گندمگون از اهالی خراسان آمد و سلام کرد و گفت: من از دوستان شما هستم و در سفر مکه خرجی من تمام شده است. کمکی بفرما، به شهر خود که رسیدم آن را برای سلامتی شما صدقه می‌دهم. امام فرمود: بنشین. از او پذیرایی کرد و دو سیست دینار به او داد و فرمود: این سرمایه تو باشد و از جانب من هم صدقه مده» [حسین اصفهانی، ۱۳۴۸: ۴۰۳]. امام رضا(ع) می‌فرماید: «بهترین اخلاق و عالی‌ترین صفت و گرامی‌ترین مردم آن کسی است که کارهای نیک انجام دهد و از درماندگان حمایت کند و به آنان کمک و یاری رساند و کوشش نماید حوایج مستمندان و نیاز تهیدستان را برآورد و کسی را که به او امید دارد، از خود مأیوس و ناامید نکند» [ابراهیمی، ۱۳۸۷].

کمک به فقرا و مستمندان و یتیمان از جمله تکالیف ثروتمندان محسوب می‌شود. امام رضا(ع) می‌فرماید: «تختستین کسی که وارد آتش جهنم می‌شود، ثروتمندی است که به سبب مال پرستی حقوق مالی خویش را عطا نکرده است» [کلینی، ۱۳۵۶: ۴۱۳]. «هر خانواده مسلمان، کمک به نیازمندان را در برنامه‌های خود منظور می‌کند و به این حقیقت پی برده است که شما هر قدر در راه خدا انفاق کنید، به شما عوض می‌بخشد» [سبا/ ۳۹]. امام رضا(ع) می‌فرماید: ثروت انباشته نمی‌شود مگر با پنج خصلت: بخل شدید، آرزوی دراز، حرص زیاد، قطع رحم و ترجیح دادن دنیا بر آخرت» [حسینی دشتی، ۱۳۸۴: ۴۷۱].

در «کافی» و «محاسن برقی» روایت شده است: «هروقت امام رضا غذا می‌خورد، کاسه‌ای داشت که بهترین غذا را انتخاب می‌کرد و در آن می‌ریخت و دستور می‌داد آن را به فقرا بدهند و می‌فرمود: فلا اقتحم العقبه. عقبه آزاد کردن بنده، به فقیران طعام و غذا دادن است. چون هر کس نمی‌تواند بنده آزاد کند، باید راهی برای بهشت در پیش گیرد و بهتر، طعام دادن به فقرا و انعام است» [حسین اصفهانی، ۱۳۸۴: ۴۰۱].

از ابن شهر آشوب در «مناقب» روایت شده است که: «آن حضرت در خراسان در یک روز عرفه تمام مال خدا را بخشش کرد. فضل بن

سهل گفت: این غرامت است؟ فرمود: خیر، بلکه غنیمت است. پس فرمود: آن چه را که برای دست‌یابی به پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیدی، غرامت و زیان مشمر» [عباس قمی، ج ۲: ۴۶۷]. حفظ کرامت و شخصیت انسانی در رسیدگی به فقرا و مستمندان به‌عنوان یک اصل شناخته می‌شود. امام رضا(ع) می‌فرماید: «هر کس مرد یا زن مؤمنی را خوار و کوچک شمارد، به‌خاطر فقر و تنگدستی او، خداوند متعال روز قیامت او را محشور می‌کند و سپس رسوا می‌سازد» [حجازی، ۱۳۶۴: ۹۶].

برخورد اسلام با مسئله یتیمان در جامعه بسی جای تعمق دارد. امام رضا(ع) ظلم را یکی از عوامل فقر می‌داند و می‌فرماید: «آن‌گاه که انسان مال یتیم را به ستم بخورد، خود را دست به گریبان تهیدستی کرده است.» در «فقه‌الرضا» از امام رضا(ع) روایت شده است: «از اموال یتیمان بپرهیزید و متعرض آنان نشوید و از آن برای خود پوشاک نگزینید. پس کسی که متعرض مال یتیم شود و مقداری از آن را بخورد، مانند آن است که پاره‌ای از آتش خورده است.»

مهرورزی و محبت به یتیمان از سیره عملی اخلاق اجتماعی امام رضا(ع) است. در فقه‌الرضا آمده است: «اگر شخص عزادار یتیم است، پس دست محبت بر سر او بکش، چرا که از رسول خدا(ص) روایت شده است: کسی که از روی مهرورزی دست محبت بر سر یتیم بکشد، به عدد هر تار مویی که از زیر دست او خارج می‌شود، در نامه عمل او حسنه ثبت می‌شود و اگر او را گریبان یافتی، به لطف و مدارا او را ساکت کن» [محمدزاده، ۱۳۸۵: ۵۲۶].

امام رضا(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل فرمود: «چهار گروه هستند که در روز قیامت، من شفیع آنان خواهم بود، اگرچه با گناه تمام اهل زمین نزد من بیایند: اول کمک‌دهنده به اهل یتیم، دوم برآورنده حوائج ایشان آن زمانی که به او نیاز دارند، سوم آن که آنان را با دل و زبان دوست بدارد، چهارم نیز آن کس که به دست خویش از آنان دفاع نماید» [مستفید و غفاری، ۱۳۷۲: ۵۳۴].

امام مهم‌ترین راه مبارزه با فقر و تهیدستی را پرداخت مالیاتهای اسلامی از قبیل زکات می‌داند و می‌فرماید: «قانون زکات برای تأمین زندگی بینوایان وضع شده و چنان که خدای بزرگ فرموده است: شما را در اموال و جانهایتان امتحان می‌کنیم، امتحان در اموال پرداخت زکات است.» در «اصول کافی» پاسخ امام رضا(ع) در مورد معافیت خمس چنین آمده است: «هیچ

کمک به فقرا و مستمندان و یتیمان از جمله

تکالیف ثروتمندان محسوب می‌شود. امام رضا(ع)

می‌فرماید: «نخستین کسی که وارد آتش جهنم

می‌شود، ثروتمندی است که به سبب مال پرستی

حقوق مالی خویش را عطا نکرده است»

حضرت عبدالعظیم حسنی می گوید: «امام رضا(ع) فرمود: ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو: راه نفوذی برای شیطان بر خودشان قرار ندهند و دوستانم را به سکوت (در اختیار داشتن زبان) و ترک مجادله (کشمکش لفظی) بی‌مورد امر کن، و به آنها دستور بده که به همدیگر رو آورند و به دیدار یکدیگر بشتابند، زیرا این کار وسیله تقرب به من است»

مال حلالی نیست جز از راهی که خدا آن را حلال کرده باشد و مسلمان کسی است که به عهدی که خدا با او کرده است، وفا کند. مسلمان آن نیست که با زبان بپذیرد و با دل مخالفت کند» [کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۵۰۴]. امام پیشنهاد جماعتی از مردم خراسان را که متقاضی معافیت از پرداخت خمس بودند، نپذیرفت و با یادآوری اهمیت موارد مصرف خمس، پرداخت آن را نشانه اظهار دوستی با اهل بیت خواند.

اخلاق اجتماعی امام رضا(ع) با مؤمنین و سایر مردم

اصول حاکم بر روابط امام رضا(ع) با مؤمنین و سایر مردم، هم‌چون موارد گذشته، عبارت است از:

- ۱ اصل کرامت انسانی و حفظ شخصیت؛
- ۲ اصل مهرورزی و محبت؛
- ۳ اصل مساوات، برابری و عدالت؛
- ۴ اصل هم‌یاری و گشایش کار؛
- ۵ اصل دوری از سوء ظن و مجادله.

امام رضا(ع) می‌فرماید: «بدانید که پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد(ص) سپاس‌گزاری محبوب‌تر نزد خداوند از یاری‌رسانی به برادران مؤمن نیست؛ یاری‌رسانی به زندگی دنیای آنان که راهی است برای رسیدن ایشان به بهشت. کسانی که چنین یاری برسانند، از ویژگیان درگاه الهی‌اند» [محمدزاده، ۱۳۸۵؛ ۱۵۱۲]. امام رضا(ع) اصحابش را به مساوات بین غنی و فقیر در سلام سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «هرکس مسلمانان بینوایی را دیدار کند و به او به گونه‌ای که به توانگران سلام می‌کند، سلام نگوید، در روز رستاخیز خداوند را در حالی که بر او خشمگین است، دیدار خواهد کرد» [وسائل الشیعه، ج ۴: ۱۱۲۹]. امام رضا(ع) دوستانش را به لبخند زدن به روی مؤمن تشویق می‌کرد و می‌فرمود: «کسی که به صورت برادر مؤمن خود لبخند بزند، خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد و کسی که خدا برایش حسنه بنویسد، او را عذاب نمی‌کند» [محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۵۵۱].

این دو روایت، به دو اصل کرامت انسانی و مهرورزی اشاره دارند. از جمله ویژگی بارز اخلاقی امام رضا(ع)، اهتمام جدی به برطرف کردن نیازهای مردم و تلاش برای حل مشکلات آنهاست. امام رضا(ع) می‌فرماید: «یاری و کمک به ناتوان از بهترین انواع صدقه

است.» هم‌چنین می‌فرماید: «هرکس بار غمی را از دوش مؤمنی بردارد و مشکلی را از کارش برطرف سازد، خداوند بار غم را از قلب او در قیامت برمی‌دارد و او را شادمان می‌سازد.» این روایت به این نکته اشاره دارد که گشایش کار، همیشه مالی نیست و هم‌یاری و همکاری و کمک معنوی را نیز شامل می‌شود.

امام رضا(ع) بر آوردن حاجت مؤمن را برتر از ۱۰ بار طواف خدا می‌داند و از نشانه‌های مؤمن، اعتدال و میانه‌روی در زندگی را بیان می‌کند و می‌فرماید: «اگر مؤمنی خشمگین شود عصبانیت، وی را از طریق حق بیرون نمی‌برد و اگر شادمانی یابد، این خرسندی وی را دچار باطل نمی‌سازد، و چون به اقتداری می‌رسد، بیشتر از آن چه حق دارد، نمی‌گیرد [نشریه اعتدال، ۱۳۸۷].

امام رضا(ع) بسیار احسان می‌کرد و به صورت پنهانی صدقه می‌داد. بیشتر احسان و صدقه‌های آن حضرت شبها بود تا مردم متوجه نشوند و آن کسی هم که کمک می‌گیرد، دهنده کمک را نبیند و احساس شرمندگی نکند. امام رضا(ع) می‌فرماید: «مؤمن، مؤمن حقیقی نباشد، مگر زمانی که سه خصلت و روش در او باشد: روشی از پروردگارش و روشی از پیغمبرش و روش از ولی و امامش. اما روش پروردگارش، نگاه‌داری راز خود است و روش پیغمبرش خوش‌رفتاری با مردم است و روش امامش، صبر کردن در زمان تنگدستی و پریشان‌حالی است» [کلینی، ۱۳۴۴، ج ۳: ۳۳۹]. هم‌چنین در اصول کافی آمده است: «هرکس به مؤمنی گشایش دهد، خدا روز قیامت دلش را گشایش دهد» [همان، ۱۲۸۶].

از دیگر اصول حاکم بر اخلاق اجتماعی امام رضا(ع)، دوری از مجادله و کشمکش است. حضرت عبدالعظیم حسنی می‌گوید: «امام رضا(ع) فرمود: ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو: راه نفوذی برای شیطان بر خودشان قرار ندهند و دوستانم را به سکوت (در اختیار داشتن زبان) و ترک مجادله (کشمکش لفظی) بی‌مورد امر کن، و به آنها دستور بده که به همدیگر رو آورند و به دیدار یکدیگر بشتابند، زیرا این کار وسیله تقرب به من است» [محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۵].

در سیره عملی آن حضرت موارد زیادی از ترک مجادله و جلوگیری از کشمکش دیده می‌شود که در ادامه به یکی از آنها اشاره می‌شود: «احمدبن عمر حلال گفت: شنیدم که اخرس در مکه اسم حضرت رضا(ع) را می‌برد و به آن حضرت دشنام می‌دهد. گفت داخل مکه شدم و کاردی خریدم. پس دیدم او را. به خدا سوگند خوردم او را هرگاه از مسجد بیرون بیاید، بکشم. پس سر راه او ایستادم. ناگاه رقعۀ حضرت امام رضا(ع) به من رسید. در آن نوشته بود: بسم‌الله الرحمن الرحیم. به حق من بر تو که معترض اخرس مشو. پس به‌درستی که خداوند تعالی ثقه و معتمد من است و او کافی است مرا» [اقمی، ج ۲: ۴۸۹].

در مورد دوری از بهتان و سوء ظن، امام می‌فرماید: «هرکس به مرد یا زن مؤمنی بهتان زند و درباره او چیزی بگوید که در وی نباشد،

روز قیامت خدا او را بر تپه‌ای از آتش نگه دارد، تا از آن چه درباره آنها گفته است، رهایی یابد [حجازی، ۱۳۶۴: ۸۶۵].

از دیگر سفارشات امام بر مسلمانان، شرکت در تشیع جنازه برداران دینی خود است. در سیره عملی آن حضرت نیز رعایت این امر دیده می‌شود. ابن‌اشوب از موسی بن سیار نقل می‌کند: «من با حضرت رضا(ع) بودم و آن حضرت نزدیک به دیوارهای توس رسیده بود که صدای شیون و ناله‌ای شنیدیم. از پی آن صدا رفتیم. ناگاه به جنازه‌ای برخورد کردیم. تا نگاهم به جنازه افتاد، دیدم آقایم پا از رکاب بیرون کرد و از اسب پیاده شد و به سوی جنازه رفت. او را بلند کرد و خود را به آن جنازه چسباند. سپس به من روی کرد و فرمود: ای موسی بن سیار! هر که جنازه دستان ما را مشایعت کند، از گناهان خود بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده است و هیچ گناهی بر او نیست [کریمی جهرمی، ۱۳۸۵: ۶۰].

در یکی از ۴۰ حدیثی که از امام رضا(ع) هم‌چون میراث جاویدان باقی مانده است، معیار مسلمان بودن انسان را آن می‌داند که مردم از شر زبان و دست او در امان باشند. امام رضا(ع) می‌فرماید: «مؤمن کسی است که چون کارهای نیک کند، شادمان شود و هنگامی که کار بدی انجام دهد، استغفار نماید و مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان بمانند. از ما نیست کسی که همسایه‌اش از شری در امان نباشد [همان، ص ۷۴].

نهاد و کالت

از دیگر اقدامات مهم امام رضا(ع) که موجب ارتباط امام با شیعیان دوردست می‌شد، تداوم «نهاد و کالت» است. نهاد و کالت مهم‌ترین عاملی بود که موقعیت سیاسی-اجتماعی شیعه امامیه را تثبیت می‌کرد. شرايطی بحرانی که ائمه شیعه در زمان عباسیان با آن روبه‌رو شدند، ایشان را واداشت تا ابزار جدیدی را برای ارتباط با شیعیان خود جست‌وجو کنند. بدین منظور ائمه شیعه با تأسیس نهاد و کالت هوشیارانه فعالیت شیعیان را هدایت می‌کردند. عبدالرحمن بن حجاج، کارگزار امام صادق(ع) در بغداد و معلی بن خنیس و کیل امام صادق(ع) در مدینه بود. امام کاظم در مصر، بغداد و مدینه و کلابی داشت. محمد بن ابی عمیر و علی بن یقطین از وکلای امام کاظم بودند. از جمله وکلای امام رضا(ع)، عزیز بن مهتدی در قم و صفوان بن یحیی در کوفه بودند [محمدزاده، ۱۳۸۵: ۹۳].

امام رضا(ع) می‌فرماید: «مؤمن کسی است که چون کارهای نیک کند، شادمان شود و هنگامی که کار بدی انجام دهد، استغفار نماید و مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان بمانند. از ما نیست کسی که همسایه‌اش از شری در امان نباشد

نتیجه‌گیری

نیاز به امام پس از پیامبر اکرم(ص) نه تنها از بین نمی‌رود، بلکه بیشتر هم می‌شود؛ چنان که خداوند نیز می‌فرماید: «لکل قوم هاد». برای هر قومی راهنما و هدایت‌کننده‌ای هست. زیرا با گذشت زمان و گسترش سرزمین اسلامی و مواجهه با مکتبها، فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، مسائل جدید و طرز فکرهای گوناگون به وجود می‌آیند. هم‌چنین، روابط اجتماعی مرحله به مرحله پیچیده‌تر می‌شود و حیات اجتماعی به احکام و قوانین جدیدی نیاز پیدا می‌کند که بدون وجود یک مفسر معتبر وحی، پاسخ‌گویی صحیح به این نیازها ممکن نیست. پس راهنماییهای امام معصوم و پیروی از دستورات او در کنار دستورات قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) ضروری است. امام رضا(ع) فرمود: «امامت از منازل انبیا و وارث اوصیاست. امامت، خلافت خداوند و رسول اکرم(ص) و امیرمؤمنان(ع) و میراث حسن و حسین(ع) است. امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین و ریشه اسلام و شاخه بلند اسلام است» [منتظر قائم، ۱۳۸۴: ۲۵].

دوره امامت امام علی(ع) تا امام حسن عسکری(ع) مدرسه بی‌مانندی برای حقیقت‌طلبان است تا راه صحیح زندگی را بیابند و با اطمینان خاطر به مقصد برسند. این پیشوایان در سخت‌ترین شرایط اجتماعی زندگی می‌کردند و در برخی زمانها، حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس آنان را در محاصره جدی قرار می‌دادند یا به زندان می‌انداختند و ارتباط و تماس با آنان عواقب سختی داشت. با وجود این، توانستند با شیوه‌های زندگی خود، حقیقت اسلام را به مردم معرفی کنند. آنان با برخورداری از «علم الهی» تلاش کردند و چهره واقعی اسلام را به نمایش بگذارند و مردم را از ظاهرگرایی و سطحی‌نگری در دین، برحذر دارند.

هنگامی که امام رضا(ع) به اجبار مأمون می‌خواست از مدینه به مرو برود، در مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلمه‌ایشان را آماده کرده بودند تا هر چه امام می‌گوید، بنویسند و حفظ کنند. وقتی امام در جمع مردم قرار گرفت، آنها به ایشان اصرار کردند که برایشان سخن بگوید. امام به آنان فرمود: من از پدرم، امام کاظم(ع) شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق(ع) و ایشان از پدرش حسین(ع) و ایشان از پدرش امام علی(ع) و ایشان از رسول خدا(ص) شنید که فرمود: خداوند می‌فرماید: «کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»: «کلمه «جز خدای یکتا خدایی نیست»، قلعه محکم من است و هر کس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان می‌ماند. پس از اندکی درنگ امام فرمود: «بشروطها و انا من شروطها»: اما به شرطهای آن و من از شرطهای آن هستم. مقصود امام این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در

زندگی اجتماعی متجلی شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی، با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است.

روشهای متفاوت ائمه اطهار علیهم السلام در زندگی سیاسی- اجتماعی به ما می آموزد که در مواجهه با مسائل مختلف و در شرایط گوناگون بر یک روش خاص تأکید نداشته باشیم، بلکه با حفظ اصول و الگو گرفتن از راه و روش ائمه (ع) در هر موقعیت، وظیفه و مسئولیت خویش را متناسب با شرایط زمان و مکان تشخیص دهیم. «چنان که بعضی از جماعت شیعیان کوشیدند امام را به مخالفت با «تقیه» متهم کنند و هیئتی نزد امام فرستادند تا ایشان را از هارون الرشید بر حذر دارند. امام گفت: بیهوده می کوشید. با من کاری نمی توان کرد.

پس از آن که امام رضا (ع) بعد از پدر، مسئولیت رهبری و امامت را به عهده گرفت، در جهان اسلام به سیر و گشت پرداخت و نخستین مسافرت را از مدینه به بصره آغاز فرمود تا بتواند به طور مستقیم با پایگاههای مردمی خود دیدار کند و درباره همه کارها به گفت و گو بپردازد. پدران امام رضا (ع) به همه این فعالیتها آشکارا مبادرت نمی کردند، اما در مورد امام رضا (ع) مسئله امری طبیعی بود. زیرا در این مرحله پایگاه مردمی، بسیار شده بود و نفوذ مکتب امام علی (ع) از نظر روحی، فکری و اجتماعی در دل مسلمانان که با امام به طور آگاهانه هم پاری و همراهی می کردند، افزایش یافته بود (ادیب، ۱۳۶۱: ۲۲۹). بنابراین، اسوه قرار دادن معصومین علیهم السلام باید با درک اصول و مبانی اساسی زندگی آنان همراه باشد و این مهم جز با تفکر و تعمق در روش زندگی آن بزرگواران به دست نخواهد آمد. الگو گرفتن از سیره اخلاق فردی و اجتماعی ایشان موجب رشد استعدادها و بالندگی انسانها و جامعه‌ای سالم می شود و زمینه سعادت مطلوب انسان را که همان قرب الهی است، فراهم می آورد.

محدودیتها و پیشنهادها

محدودیتهای تحقیق

- محدودیت دسترسی به منابع مرجع و فرصت لازم برای بررسی این کتابها.
- هزینه بالای تهیه کتابهای معتبر و مرجع.
- مشکلات نگارشی مربوط به کتابهای چاپ قدیم و شیوه نگارش و استفاده از واژگان.
- محدودیتهای زمانی تحقیق.

پیشنهادها

● از آنجا که ائمه (ع) اسوه و الگوی ما در زندگی هستند و آگاهی عمیق از شیوه زندگی و تفکرات آنان خصوصاً برای نسل نوجوان و جوان الزامی است، بهتر است در میان کتابهای درسی دانش آموزان و دانشجویان، کتابهایی که اخلاق فردی و اجتماعی ائمه (ع) را بیان می کنند، قرار گیرند و این کتابها به صورت تفصیلی در سالهای

گوناگون تحصیلی به تفکیک زندگی معصومین به آنان تدریس شود. ● از آنجا که وسایل ارتباط جمعی مورد توجه اکثر مردم هستند، با به تصویر کشیدن زندگی ائمه (ع) می توان چگونه زندگی کردن و راه و رسم زندگی مطلوب را به نمایش گذاشت.

● تشکیل همایشهای متعدد در سطح منطوقهای ملی و بین المللی به افراد کمک می کند با جست و جو در زندگی ائمه اطهار در حد بضاعت خود، با شیوه زندگی آنان آشنا شوند و اطلاعات خود را در این زمینه در اختیار دیگران بگذارند.

● نگرشهای تخصصی و موردی به زندگی ائمه موجب تعمیق اطلاعات و در نهایت تفسیر و تحلیل مناسب از زندگی آنان خواهد شد. لازم است برای شکل گیری چنین نگرشهایی تا حد امکان کوشید.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. اصغری، محمود. «اصول مکارم اخلاق در آرمان شهر رضوی». مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر رضوی. ۱۳۸۷.
۴. جواهری، محمدرضا. «آئین مهرورزی در کلام امام رضا (ع)». نشریه قدس. ۱۳۸۷.
۵. حجازی علاءالدین، صحیفه الرضاع. ندای اسلام. مشهد. ۱۳۶۴.
۶. حسین دشتی، سید عبدالله. چهره های درخشان چهارده معصوم. موعود اسلام. قم. چاپ اول. ۱۳۸۴.
۷. حسین اصفهانی (مشهور به عمادزاده)، عمادالدین زندگانی چهارده معصوم. مکتب قرآن. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۴۸.
۸. خداوردی، حسن. اخلاق زندگی. کتاب سبز. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۹.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی. ارباب امانت. دریا. تهران. ۱۳۷۹.
۱۰. زنجیری، محمدحسین. مهرورزی به مردم نیمی از خرد است. جام جم. ۱۳۸۰.
۱۱. سادات، محمدعلی. اخلاق اسلامی. سمت. تهران. ۱۳۸۴.
۱۲. سکندری، علی. «رویارویی با کجروی در آرمان شهر رضوی». مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر رضوی. ۱۳۸۷.
۱۳. شارع پور، محمود. «ایعاد و کارکرد سرمایه اجتماعی در ایران». رشد آموزش علوم اجتماعی. دوره ۹. شماره ۱۲۸۴. ۲.
۱۴. عزیزی، عباس. فضایل و سیره چهارده معصوم (ع). صلاه. قم. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۱۵. عمید، حسن. فرهنگ فارسی. امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۳.
۱۶. قمی، عباس. منتهی الامال (ج ۳). هجرت. قم. چاپ یازدهم. ایتی تا.
۱۷. کریمی چهرمی. مهر ولایت از آسمان ایران. راسخون. قم. ۱۳۸۵.
۱۸. کلینی، ابی جعفر. اصول کافی (ج ۳ و ۲). ترجمه سید جواد مصطفوی. نشر فرهنگ اهل بیت (ع). تهران. ۱۳۴۴.
۱۹. _____ . اصول کافی (ج ۴). ترجمه هاشم رسولی. نشر فرهنگ اهل بیت (ع). تهران. ۱۳۴۶.
۲۰. کلانتری، علی. اسلام و الگوی مصرف. بوستان کتاب. قم. چاپ نهم. ۱۳۸۸.
۲۱. مجلسی، محمدباقر. ترجمه موسی خسروی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۶.
۲۲. مستفید، محمدرضا و غفاری، علی اکبر. عیون اخبار الرضا (ع). صدوق. تهران. ۱۳۷۲.
۲۳. محمدزاده، مرضیه. علی بن موسی (ع). دلیل ما. قم. چاپ پنجم. ۱۳۸۵.
۲۴. منتظر قائم، اصغر. تاریخ امامت. دفتر نشر معارف. قم. ۱۳۸۴.
۲۵. هاشمی، سیدحسین. «امام رضا و سیمای خانواده آرمانی». مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر رضوی. ۱۳۸۷.
۲۷. نشریات اعتدال، زائر، اسوه و مبلغان.

26. WWW.Share behesht.IR